

بسم الله الرحمن الرحيم

دوره مجازی تدبر در سوره‌های فهم قرآن دبستان، رمضان ۹۹، آقای دژبخش

سوره مبارکه لیل، ۲۶ ماه مبارک رمضان

## معرفی اجمالی سوره

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ﴿١﴾

سوگند به شب هنگامی که می‌پوشاند.

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ﴿٢﴾

سوگند به روز هنگامی که جلوه کرد.

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٣﴾

و [سوگند به] خدایی که نر و ماده را آفرید.

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ﴿٤﴾

که همانا تلاش شما پراکنده است یعنی هر کس برای یک چیز تلاش می‌کند یعنی هدف‌های مختلفی ممکن

است داشته باشند یا اینکه هر کس برای هدف خودش تلاش‌های پراکنده‌ای می‌کند. حالا از بین این تلاش‌های

پراکنده خداوند می‌فرماید:

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ﴿٥﴾

بعضی هستند که اهل عطا کردن هستند و تقوا می کنند.

**وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٦﴾**

زیباترین هدف و مسیر را تصدیق کرد.

**فَسَنِّيْسِرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ﴿٧﴾**

چنین کسی را برای یسر و آسانی مهیا می کنیم، در مسیر کارهای خوب می افتد که آسان است.

**وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ ﴿٨﴾**

و اما آنکه بخل ورزید و خود را بی نیاز دید. استغنا دارد یعنی اینکه خود را مستقل می بیند و می خواهد خود را بی نیاز کند و به کسی حتی به خدا نیازمند نباشد.

**وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٩﴾**

زیباترین هدف را قبول ندارد.

**فَسَنِّيْسِرُهُ لِلْعُسْرَىٰ ﴿١٠﴾**

بزودی در دست انداز و سختی زندگی می افتد. در مسیر کارهای بدی که سخت هستند.

**وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ ﴿١١﴾**

و هنگام هلاکت، مالش او را بی نیاز نمی کند.

**إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ ﴿١٢﴾**

همانا هدایت فقط برعهده ماست .

وَإِن لَّنَا لِلْآخِرَةِ وَالْأُولَىٰ (۱۳)

و مالکیت دنیا و آخرت، تنها و تنها از آن ماست.

پس هر کس هدایت و دنیا و آخرت می‌خواهد باید سراغ خدا برود.

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ (۱۴)

پس من که خدا هستم شما را از آتشی که زبانه می‌کشد، بیم می‌دهیم.

لَا يَصِلُهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ (۱۵)

به این آتش فقط شقی ترین آدم‌ها نزدیک می‌شوند یعنی هر کس به نسبت شقی بودنش به این آتش نزدیک می‌شود. شقی ترین آدم کی هست؟

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۱۶)

آدم‌ها به نسبت تکذیب و رو برگرداندن از حقایق، شقی و در ارتباط با این آتش هستند.

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَىٰ (۱۷)

آدم‌ها به نسبت تقوایشان از آتش دور می‌شوند.

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ (۱۸)

تقوای آدم‌ها نشانه‌اش این است که مالشان را برای اینکه پاک شود، می‌دهد.

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَىٰ (۱۹)

این مال دادن نه برای آن است که به کسی بدهکار باشد، نزد او نعمتی که بخواهد جزای آن را هم بدهد، نیست.

## إِنَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ﴿٢٠﴾

فقط در جستجوی مواجه شدن با پروردگار خودش هست، خدا را می‌خواهد، آنکه از همه بهتر و زیباتر و با ثبات تر هست را می‌خواهد. مال را نمی‌خواهد. مالش را می‌دهد تا چیز بهتری را بدست آورد.

## وَلَسَوْفَ يَرْضَى ﴿٢١﴾

الان رضایت دارد، و روز به روز رضایتش بیشتر می‌شود.

### جمع بندی

سوره لیل در مورد این صحبت می‌کند که تلاش‌های انسان پراکنده است. طیفی از شب تا روز که دارای طیفی از موقعیت‌های مختلف را تشکیل می‌دهد و مونث و مذکر که شخصیت‌های مختلف را تشکیل می‌دهد، تلاش‌های پراکنده دارند ولی آدم‌ها دو دسته اند: نیکوترین را تصدیق یا تکذیب می‌کنند، براساس این باور یا اهل عطا می‌شوند یا اهل بخل. اهل عطا می‌شوند چون آن حقیقت بالا را قبول دارند و زندگی یسر پیدا می‌کنند. آن‌ها که اهل بخل هستند، چون می‌خواهند بی‌نیاز باشند و با مال و دارایی‌شان، مشکلاتشان را حل کنند، زندگی‌شان در سختی است. مالی هم که رویش حساب باز می‌کردند به هیچ دردشان نمی‌خورد.

خداست که هدایت و همه چیز دست خداست. اگر انسان‌ها سراغ خدا بروند نجات پیدا می‌کنند. اگر سراغ خدا نروند، در آتش می‌افتند و نسبت انسان را با دوری از خدا آتش معین می‌کند. اگر اهل تکذیب و روبر گردانی باشند، اهل شقاوت می‌شوند و به این آتش نزدیک می‌شوند و به نسبت اینکه خودخواه نباشند و روی مالشان حساب باز نکنند و فکر نکنند که به داشتن هست، از این آتش دور نگه داشته می‌شوند. مال هم فقط پول نیست، هر دارایی هست. این است که باعث رضایت می‌شود و روز به روز رضایتش بیشتر می‌شود.

**ارائه سوره به بچه‌های دبستانی**

از سوره لیل، بخش آسان و سخت بودن کارها را می‌گوییم. ذات کارهای خوب، آسان

است حتی اگر سخت می‌شود. سوره لیل، سوره‌ای برای "آسانی کارهای خوب و سخت شدن کارهای بد"

است. سوره لیل می‌خواهد کاری کند که کارهای بد برای بچه‌ها سخت و هزینه‌دار باشد و کارهای خوب آسان

بشود. این را در یک سیر به بچه‌ها منتقل می‌کنیم:

- انگیزه کار خوب پیدا کنند. بچه‌ها با کارهای خوب و آسان مواجه شوند تا انگیزه انجام کار خوب بگیرند.
- با کارهای مختلف آشنا شوند و بدانند برخی کارها سخت و برخی کارها آسان هستند.
- کارهای خوب سخت هم داریم که با انجام دادن آن، آسان می‌شود. با فراهم کردن مقدمات و ممارست و تمرین کارهای سخت خوب آسان می‌شود.
- کارهای بدی هم که انجام آن برایشان آسان شده، آن‌ها را شناسایی کنند و هزینه کار بد را برای خودشان بالا ببرند و برای خودشان یک تنبیهی متناسب با سانشان در نظر بگیرند تا مانع کار بدشان بشود. کارهای بد برایشان سخت شود.
- در پایه پنجم دارایی‌ها و توانایی‌هایشان را شناسایی کنند و آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و اهل دادن شوند و از بخل خارج شوند.
- کارهای خوب سخت را شناسایی کنند و با کار گروهی آن را برای خود آسان کنند.

## تدبر در سوره

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ﴿١﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ﴿٢﴾ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٣﴾

سوره مبارکه لیل با قسم شروع می‌شود؛ آیات اول تا سوم قسم است:

آیه اول به "شب" قسم خورده؛

آیه دوم به "روز" قسم خورده؛

و آیه سوم به " ما " قسم خورده شده است و منظور از ما، خداوند است. می خواسته

بگوید که خدا عجب چیز با عظمتی هست.

آیه اول به شب از جهت پوشانندگی قسم خورده است، در سوره ضحی، لیل اذا سجدی به شب از جهت ماندن

تاریکی قسم خورده شده است ولی اینجا از جهت اینکه شب همه چیز را می پوشاند، قسم خورده است.

به روز از جهت جلوه گری و بروز کردن قسم خورده است.

به خدا از جهت خلق قسم خورده است، خدایی که مذکر و مونث و جنسیت را خلق کرده است که امکان زوجیت

و تنوع نقش ها و شخصیت ها و جایگاه های مختلف را فراهم کرده است.

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ﴿٤﴾

در جواب قسم با تأکیدات زیاد، قانونی را بیان کرده است، تلاش های شما پراکنده است؛ منظور این است که به

این در و آن در می زنید تا به مقصد برسید؛ یا این معنا را می دهد که مقاصد انسان ها یکسان نیست و هر کس برای

رسیدن به چیزی تلاش می کند. هر دو معنی را هم می تواند داشته باشد.

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿٦﴾

ف به معنای پس یا با این وجود است. اما هم حرف تفریع است.

انسان ها را به دو دسته تقسیم می کند.

- انسان های دسته اول که عطا می کنند؛ عطا یعنی دادن یک طرفه بدون چشم داشت و بدون عوض خواستن.

تقوا دارند و حسنی را تصدیق می کنند.

- انسان های دسته دوم، بخل و استغنا دارند و حسنی را تکذیب می کنند.

الحسنی از ریشه حُسن به معنی جلوه نیکو می باشد که به باب فُعلی رفته است. أَفْعَلُ و فُعلی صفت تفضیلی هستند،

یعنی تر و ترین، نیکوتر، نیکوترین. احسن مذکر است و مونث آن می شود حسنی. الحسنی یعنی نیکوترین مقصد،

نیکوترین حقیقت، خوش جلوه ترین راه، برنامه. الحسنی حقیقتی است که خیلی

زیباست و بالاترین حد زیبایی را دارد یعنی رسیدن به خدا، رسیدن به یک مقصد زیبا، رسیدن به بهشت و... این حقیقتی است که خداوند در عالم قرار داده تا انسان‌ها به آن دست یابند. خیلی مهم است که انسان‌ها این را باور کنند یا باور نکنند، تصدیق یا تکذیب کنند. آدم‌ها براساس این دو دسته می‌شوند. هم باورهایشان و هم عملکردشان با هم فرق می‌کند. اگر کسی این حسنی را تصدیق کند، اهل تقوا می‌شود چون مقصدی دارد که خیلی باشکوه و زیباتر است. به گونه‌ای خودش را مدیریت می‌کند و برنامه ریزی می‌کند و هرکاری انجام نمی‌دهد تا به آن مقصد برسد. این می‌شود تقوا.

بروز بیرونی آن می‌شود عطا. هر چه از امکانات، توان و پول که به دست می‌آورد، را راحت می‌دهد تا بالا برود. چون این‌ها مقصدش نیست تا به آن بچسبد و راحت می‌تواند بدهد.

در سوره کوثر داریم که نماز را برای پروردگار بخوان و قربانی کن. یعنی بپر و بده. کسی که هدف والایی دارد دنبال چیزهای بزرگ است و راحت دل می‌کند و اهل عطا است.

سوره اول عملکرد بیرونی آدم‌ها را نشان می‌دهد که اهل عطا است؛ بعد توجه درونی اش را نشان می‌دهد که اهل تقوا است.

سپس آن گزاره باوری که آن عملکرد و توجه براساس آن شکل گرفته را می‌گوید که تصدیق الحسنی است. خداوند برای کسی که این ویژگی‌ها را داشته باشد، یک قانون دارد.

## فَسَنِّيْسِرُهُ لِلْيَسْرَى ﴿٧﴾

خداوند یک قانون یسر سازی دارد. دیدید یک کاری را انجام می‌دهید، برایتان آسان می‌شود، این قانون خداست. خدا این قانون را قرار داده که وقتی وارد کاری می‌شوید، آن کار برایتان روان می‌شود. این قانون سَنِّيْسِرُهُ است، قانون "برایش آسان می‌کنیم".

این قانون در مورد این دسته انسان‌ها به این گونه است که خداوند برای او مهیا می‌کند،

للیسری تا به یسر می‌افتد. در مسیری می‌افتد که خیلی ساده و روان کارهایش راه می‌افتد. ممکن است به زندگی نگاه کنید، سخت باشد ولی آن مع العسر یسری، لای همه این سختی‌ها، برایش یسر وجود دارد. خیلی راحت از چیزهایی که عسر هست عبور می‌کند و خدا او را برای آسانی مهیا می‌کند. کارهای خوب برایش آسان است و به راحتی آن‌ها را انجام می‌دهد.

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ﴿٨﴾

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ﴿٩﴾

اما دسته دوم انسان‌ها حسنی را نپذیرفته و به چیزهای دم دستی دل خوش می‌کند و باید همین‌ها را سفت بگیرد. مانند این مسابقه‌ها در تلویزیون هست که خیلی هم بد است و القای بدی دارد. فرد به یک مرحله می‌رسد مثلاً ۱ میلیون برنده شده است، از او می‌پرسد که آیا ادامه می‌دهی یا همین جا تمام می‌کنی؟ اگر ادامه بدهد ممکن است ده میلیون برنده شود. این مسابقات روحیه مادی گرایی و ریسک را القا می‌کند در حالیکه در دنیا چنین نیست، در تکوین عالم چیزی اتفاقی نیست. اگر انسان خواسته‌هایش بلند و رفیع باشد، رسیدن به خواسته‌ها قطعی هست. همین جا قانع هستی؟ یا فکر می‌کنی که چیزی بیشتر از این گیرت می‌آید. در دنیا رسیدن به یک حقیقت بلندتر برای انسانی که به دنبال آن است، قطعی است.

در سوره اسراء، آیه ۱۸ می‌فرماید: مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا ﴿١٨﴾ وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ﴿١٩﴾، اگر کسی آخرت را بخواهد و برای آن تلاش کند و ایمان داشته باشد حتماً به آن می‌رسد، خدا تلاششان را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. اگر اهل دنیا باشد، ممکن است برسد یا نرسد. قطعی هست که به یک چیز بزرگ می‌رسید به شرط آنکه به آن ایمان داشته باشید. اگر به آن ایمان نداشته باشد، این فرد دچار استغنا می‌شود و تلاش می‌کنند در



تنهایی و استقلال خودشان، نیازهای خود را رفع کنند؛ "آذوقه‌ام تمام شد، حالا چه کار کنم؟!...! اگر این را نداشته باشم؟" نگرانی دارند، مدام فکر می‌کنند، تنها هستند و تنها باید گلیم خود را از آب بکشند بیرون، یعنی در زندگی خدا ندارند و به او برای رفع نیازهای خود وصل نیستند. وقتی من همه زندگی ام به این چیزها وابسته باشد، به طور طبیعی نمی‌توانم ببخشم به همین دلیل بخیل می‌شوم. مانند قسمت قبل اول عملکرد فرد را نشان می‌دهد بعد توجهش را نشان می‌دهد و بعد گزاره باوری که تکذیب حسنی هست را بیان می‌کند.

## فَسَنِّيْسِرُهُ لِلْعُسْرَى ﴿١٠﴾

قانون آسانی برای این افراد به عسر و سختی می‌افتد؛ این افراد خیلی راحت و روان در مسیری می‌افتند که پر از دست انداز است؛ للعسری یعنی خیلی راحت دچار کارهای بد می‌شود. ذات کار بد سخت است ولی برای این فرد چون عادی شده دیگر سخت نیست. چرا آدم عاقل باید آنقدر خود را به مشقت بیندازد که از صبح تا شب بدود تا روزی دربیآورد. روزی را خدا تضمین کرده است. انسان‌ها باید صبح تا شب دنبال سعادت باشند. این کاری هست که خدا از ما خواسته است. آدم‌ها باید برای روزی تلاش بکنند ولی حتما خدا می‌دهد. در سوره همزه داریم: **الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ**، این فرد که مالش را جمع می‌کند، فکر می‌کند که مالش او را جاودان می‌کند. این افراد طبیعتاً اهل همز و لمز هم می‌شوند.

## وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ﴿١١﴾

اذا ترَدَّى یعنی وقتی که می‌خواهد نابود شود، زمانی که می‌خواهد، زمین بخورد، مالش مشکلی از او را رفع نمی‌کند. آیه به این معناست که همه مالی را که این انسان‌ها جمع کردند اتفاقاً در زمانی که می‌خواهند به زمین بخورند و به آن نیاز دارند، به کارشان نمی‌آید.

## إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ (۱۲) وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ (۱۳)

دو آیه با تاکیدات زیاد آمده است.

خداوند می‌فرماید هدایت فقط بر عهده ماست؛ کسی برای اینکه بفهمد باید چه کار کند جای دیگری را نگردد، هدایت و روشنی راه نزد من است؛ کس دیگری نمی‌تواند راه را نشان دهد. هدایت یعنی اینکه کسی بفهمد چی کار باید انجام دهد و از گمراهی دربیاید.

و قسم که دنیا و آخرت فقط برای ماست و برای رسیدن به هر دوی اینها باید نزد من بیایند. شما حتی اگر دنیا هم می‌خواهید باید پیش خدا بروید، نباید از خدا دور شوید.

## فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ (۱۴)

بعد می‌فرماید پس شما را از آتشی که شعله می‌کشد و می‌سوزاند، انذار می‌دهم، بیم می‌دهم و توجهتان را جلب می‌کنم. تام و تمام این آتش را آدم بعد از مرگ می‌بیند ولی در همین دنیا هم در این آتش هست و نمی‌داند از کجا دارد می‌سوزد. چه کسانی وارد این آتش می‌شوند؟

## لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَىٰ (۱۵) الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ (۱۶)

شقی ترین مردم وارد این آتش می‌شود، این یعنی آدم‌ها به نسبت شقاوتشان به این آتش نزدیک و وارد آن می‌شوند. شقاوت این است که حق را تکذیب می‌کند و نمی‌پذیرد و روی برمی‌گرداند. خیلی خطرناک است که آدم با حقیقت مواجه شود و آن را نپذیرد. در آیه ۵ سوره ق می‌فرماید: بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيجٍ، کسی اگر با حق مواجه شود و نپذیرد، کور می‌شود. دیگر چیزهایی که باید بفهمد را نمی‌فهمد. مثلاً وسط دعوا و مشاجره است، من می‌بینم آن طرف دارد راست می‌گوید ولی فکر می‌کنم وسط دعوا آبروریزی هست که بگویم اینجا حق با توست، آدم را کور می‌کند، آدم نباید حق و حقیقت را کتمان کند. این کار، کار خطرناکی است؛ انسان باید حقیقت را بپذیرد.

تولی یعنی رو برگردانی و توجه نکردن. مثلاً مگر شما نمی‌بینید که این بهتر، زیباتر و درست تر است، ولی رویش را بر می‌گرداند.

آدم‌ها به نسبت تکذیب حقیقت یا همان حسنی و روبرگردانی از آن، به شقاوت می‌رسند و به همان نسبت دچار آتش می‌شوند.

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿١٧﴾

برعکس انسان‌ها به نسبت تقوایشان، خویشتنداری شان، اینکه چقدر مراقب باشند کاری را درست انجام دهند، از آتش دور می‌شوند.

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ﴿١٨﴾

اتقی کیست؟ کسی که مالش را می‌دهد تا یا مالش و یا خودش پاک شود. هر چیزی که نسبت به آن احساس مالکیت می‌کند را حاضر است بدهد.

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى ﴿١٩﴾

و نیست برای هیچ کسی نزد او، چیزی از نعمتی که بخواهد جزایش داده شود یعنی، بدهکار کسی نیست، کسی از او طلب ندارد.

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ﴿٢٠﴾

و هر چه می‌دهند فقط برای رسیدن به وجه رب است؛

وجه رب، چهره پروردگار یعنی مواجه شدن با خدا، موضعی که بتوان به خدا توجه کرد. مثلاً ائمه و اهل بیت (ع) وجه الله هستند، یعنی از طریق اینها خدا را می‌بینید. هر کسی، هر جایی و هر چیزی که بتوان از طریق آن با خدا مواجه شد، وجه الله است.

اینها دنبال چهره پروردگار اعلی شان هستند یعنی می خواهند به بهترین شکل ممکن با خدا مواجه شوند. به خاطر همین حاضر هستند همه چیز را بدهند نه به این خاطر که کسی از آنها طلب دارد.

## وَأَسْوَفَ يَرْضَى (۲۱)

به رضایت خواهد رسید. نه اینکه الان در رضایت نیست. الان راضی هستند و روز به روز رضایتشان بیشتر می شود تا به کمال رضایت می رسند.

این صریح قرآن است که:

انسان ها به واسطه نگه داشتن ها، جمع کردن ها به رضایت نمی رسند. کسی فکر نکند اگر فلان چیزها را داشته باشد، راضی می شود. می گوید من الان چون این را ندارم، راضی نیستم. این را داشتم، راضی می شوم. انسان به واسطه داشتن چیزی به رضایت نمی رسند. انسان ها به واسطه اینکه آنچه که دارند بدهند به خاطر چیز بالاتر به رضایت می رسند.

## سوالات

✚ ارتباط **إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ** با آیات قبل چیست؟

هدایت بر عهده ماست. ما در زندگی مان نیاز داریم که بدانیم چه کار باید کنیم، سوره هم با شب و روز و خدایی که مذکر و مونث را خلق کرده شروع شده است بعد گفته تلاش های شما پراکنده است. وقتی شب می پوشاند آدم باید بداند که چه کند. وقتی که روز جلوه می کند باید چه کار کنم؟ من با مرد بودن یا زن بودنم چه کار کنم؟ تلاش آدم ها پراکنده است چون که نمی دانند باید چه کار کنند. اگر معنی آیه این باشد که انسان ها هدف های متفاوت دارند، چون نمی دانند هدفشان باید چی باشد مثلاً یکی می گوید من همه هدفم این است که بدن ورزیده داشته باشم و همه زندگی اش را روی همین می گذارد، یکی می گوید هدف من فقط تربیت فرزندانم هست. اگر

معنی آیه این باشد که آدم‌ها برای هدف زندگی شان یک راه را نمی‌روند، به این در و

آن در می‌زنند، باز به خاطر این است که نمی‌دانند چه کار کنند. این آدم‌ها دو دسته می‌شوند: آن‌ها که حسنی را تصدیق می‌کنند تکلیفشان روشن می‌شود که باید چه کار کنند. آن‌ها که حسنی را تکذیب می‌کنند، همچنان سرگردان می‌مانند و وقتی کارشان تمام می‌شود خداوند می‌فرماید باور کنید که هدایت فقط بر عهده ماست. من باید به شما بگویم که چه کار کنید تا از ضلالت دربیایید. شما سراغ ما بیایید ما راه را به شما نشان می‌دهیم. تازه دنیا و آخرت مال من است، اصلاً جای دیگری وجود ندارد که شما به سراغ آن بروید.

✚ آیا دلیلی برای تکذیب حسنی گفته شده است؟

نمی‌دانم چه می‌شود که آدم با حق مواجه می‌شود اما نمی‌پذیرد، روایت داریم که حبُّ الدنیا رأس کل خطیئة، دنیا را دوست دارند. این قوانین خیلی دقیق است. به نظرم جواب را باید در همین قوانین پیدا کنیم. انسان‌ها هدایت و چه باید کرد را از غیر خدا جستجو می‌کنند. کی گفته شما باید چه کار کنید؟ انسان‌ها فکر کردند دنیا خوب است و نمی‌خواهند نگاهشان را بالاتر ببرند.

✚ هدایت از آن خداست یعنی کسی که گمراه است هدایت، شامل حالش نمی‌شود؟

خدا به انسان اختیاری داده که باید خودش اختیار کند. هدایت خدا می‌آید افراد باید از آن تبعیت کنند. وقتی به هدایت خدا بی توجهی کند، نابینا می‌شود. خودش باعث می‌شود هدایت خدا شامل حالش نشود.

✚ کسی که بچه ندارد و برای آن تلاش نکند چون فقط می‌خواهد یار امام زمان (عج) تربیت کند؟

اگر کسی می‌خواهد شیعه امام زمان (عج) تربیت کند باید برای شیعه امام زمان (عج) تربیت کردن، تلاش کند. منتها باید این را خالص کرد. کی گفته که باید شیعه امام زمان (عج) تربیت کنی؟ حکم خدا داری؟ اگر حکم خدا داری، باید همین را خالص نگه داری. گاهی آدم می‌خواهد شیعه امام زمان (عج) تربیت کند ولی یک نیم نگاهی هم به این دارد که مثلاً به بقیه پز دهد. اینها ناخالصی ایجاد می‌کند که باید خالص کرد.

اگر کسی بچه دار نمی‌شود، خب نمی‌شود دیگر. شیعه تربیت کردن که هدف نهایی

نیست. هدف نهایی، یک الحسنی ای هست. وقتی خدا مسیر زندگی من را طوری رقم زده که بچه دار نمی‌شوم، یعنی خدا از من چیز دیگری خواسته است. مثلا هدف من این است که در بارداری با ذکر و دعا، جنین را تربیت کنم بعد حالا مشکل این است که من اصلا خانم نیستم که بخواهم دوران بارداری داشته باشم، آقا هستم، حالا چه کار کنم؟ معلوم است که خدا این را از من نمی‌خواهد. اینکه یک چیزهایی می‌شود یا نمی‌شود نشان می‌دهد که خدا از من چه چیزهایی می‌خواهد. اگر من حسنی را تصدیق کرده باشم، می‌روم به سمت اینکه خدا چه کاری از من خواسته و دیگر این شخصی نخواهد بود.

🌟 چه کار کنیم که از تشتت خارج شویم؟ خیلی‌ها رو به سوی خدا بوده اند ولی هدف مشخصی نداشتند و

نمی‌دانستند باید چه کار کنند؟

سوره نگفته که بدون تلاش خاصی هدایت شامل حالمان می‌شود. هدایت یعنی اینکه حرف خدا را گوش کنیم. اگر حرفی را گوش می‌کنیم باید چون حرف خدا بوده باید گوش کنیم و اگر حرفی را گوش نمی‌کنیم چون حرف خدا نبوده گوش نکنیم. وقتی حرف خدا را گوش می‌کنیم لازم است که تلاش کنیم چون یکی از حرف‌های خدا این است که تلاش کنید. در سوره انشراح می‌گوید که فاذا فرغت فانصب، یعنی بیکار ننشینید، کاری تمام شد، کار بعدی را شروع کنید. هر حرفی را چون حرف خداست گوش کنیم.

در مورد سوال دوم هم، خیلی‌ها را ول کنید. شعاری هست می‌گوید: "ظاهر زندگی دیگران را با باطن زندگی خودمان مقایسه نکنیم." این خیلی حرف خوبی هست. شما چه می‌دانید من چگونه و چقدر رو به سوی خدا هستم. راجع به دیگران قضاوت نکنیم، به خودمان کار داشته باشیم. اصلا مگر می‌شود کسی رو به سوی خدا داشته باشد ولی هدف مشخصی در زندگی نداشته باشد. این غیر ممکن است. کسی که رو به سوی خدا داشته باشد حتما هدف مشخصی دارد مگر اینکه تعریف ما غلط باشد.

✚ نباید هدفی برای خودمان داشته باشیم؟

بله باید هدف داشته باشیم ولی این هدف را خدا باید برایمان معلوم کرده باشد.

✚ بحث‌های روز در مورد هدف گذاری را چگونه با سوره لیل جمع کنیم؟

بحث‌های روز را من نمی‌دانم. ما یک هدف کلی داریم که باید خدا آن را معلوم کرده باشد. حالا برای رسیدن به خدا، سبیل داریم. آیه ۲۰ سوره عبس می‌فرماید: **ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ، اَيْنَ فَسْنَيْسِرُهُ لِيُسْرِيَ،** یک سبیلی دارد. هر کس باید از یک راهی برود. هر کسی یک توانایی‌هایی دارد که براساس همان، یک مسیری برایش باز می‌شود. این می‌شود هدف گذاری. هدف گذاری از صفر را آدم نباید خودش تعیین کند. اصلش را خدا تعیین کرده، یکسری توانایی‌ها هم به من داده، من باید براساس توانایی‌هایم ببینم چگونه به آن هدف برسم.

✚ کسی می‌تواند برود از پرورشگاه بچه بیاورد و تربیت کند. از کجا بداند که خدا از او خواسته یا نه؟

برای هر کاری باید بداند حکم خداست یا نه. کلا در فرآیند رشد آدم‌ها باید به جایی برسند که حکم خدا را استخراج کنند. در دوره اول رشد بچه که عقل ندارد، پدر و مادر او را کفالت می‌کنند. در دوره دوم رشد با معلم و تعلیم آشنا می‌شود. در انتهای دوره دوم فرد باید خیر گزین شود یعنی بداند براساس حکم خدا بهترین را انتخاب کند. کم‌کم مرجع تقلید پیدا می‌کند و احکامش را از او می‌پرسد. کم‌کم در دوره سوم رشد باید متخصصین مختلفی را بشناسند که باید و نبایدها را از آنها باید دریافت کنند. این خیلی مهم است که در زندگی، دل خواه خود کاری نکنیم و حجت داشته باشیم. آدم باید بداند که خدا ازش چه خواسته و براساس آن عمل کند.

برخی احکام، فطری هستند مثلاً آدم می‌داند که سوزن بزند به فرد دیگر بد است.

گاهی حکم عقلی است یعنی باید به متخصص مراجعه کنم.

گاهی حکم شرعی است یعنی دین گفته است. که از فطرت و عقل بالاتر است.

برای هر کار جزئی‌ام باید بدانم چه کنم. گام اول این است که آدم قصد داشته باشد حرف خدا را انجام دهد. دلش کاری را بخواهد که خدا گفته است.

✚ اندازه کردن و جمع کردن چقدر معنی استغنا نمی‌دهد؟

این رویکرد جمع و تعدید غلط است. به طور کلی حساب باز کردن روی داشته‌ها غلط است. اشکال ندارد که آدم تلاش کند بدست بیاورد ولی یک نکته‌ای وجود دارد. به قول امام علی (ع): انسان لایمک الا الدعا به جز دعا کاری نمی‌تواند بکند و تمام تلاش‌های فرد در زندگی دعا هست. وگرنه لا موثر فی الوجود الا الله وگرنه هیچ چیزی به جز خدا تاثیری نمی‌گذارد. خداست که باعث می‌شود یک چیز بشود یا نشود. می‌خواهم خانه بخرم تا خانواده‌ام سقفی بالاسرشان داشته باشند تا من بتوانم بروم جهاد برای خانه خریدن، پول می‌خواهد. فکر می‌کنم که با پول جمع کردنم خانه بدست می‌آورم؟ خیر، می‌دانم که خدا به من خانه می‌دهد منتها الان تنها راهی که بلد هستم، به عنوان دعا، پول جمع می‌کنم. برای همین اگر پولم از دست رفت احساس نمی‌کنم بیچاره شدم چون من از پول خانه نمی‌خواستم از خدا خانه می‌خواستم. ممکن است پولم را هم از دست بدهم، خانه هم از جای دیگر برایم بیاید.

این رویکرد را خدا از ما می‌خواهد. جمع و اندازه کردن در حدی که فکر نکند که این دارایی‌ها نتیجه دارند و اثر بخش هستند. اگر از دست رفتند، حس فلاکت به او دست نمی‌دهد.

✚ چگونه تشخیص دهیم خدا چه هدفی برایمان تعیین کرده؟ چرا تا الان تشخیص نداده‌ایم؟

چرا تشخیص داده‌اید. آنقدر موضوع وحشتناکی نیست. اول قصدمان این باشد که هر چه خدا می‌خواهد را انجام دهیم. خدا خودش راهنماییمان می‌کند. برای دلم می‌خواهد، زندگی نکنم. چرا این کلاس را شرکت کرده‌ام؟ چون خیلی به من مزه می‌دهد، این کار را کرده‌ام؟ یا فکر می‌کردم این کار درست است. چون فکر کردم خدا اینطوری می‌پسندد. اگر انسان دنبال رضای خدا باشد، جلوی پای آدم قرار داده می‌شود.



آیه ۸ تا ۱۰ را توضیح دهید.

وقتی من فکر می‌کنم همه چیز همین است، بخیل می‌شوم مثلاً سر سفره، از غذایم به این و آن می‌دهم چیزی برای خودم نمی‌ماند، می‌گویم پس خودم چی؟ همش که همین نیست که. اگر بدانم یک دیس دیگر غذا می‌آید، خیالم راحت است. خدا به پیامبرش کوثر داده، چشمه جاری از فیض هست که تمام نمی‌شود. اگر در جریانش باشیم، هیچ وقت تمام نمی‌شود.

دعا یعنی چه؟

دعا یعنی از خدا خواستن، صدا کردن خدا. بچه گریه می‌کند شیر می‌خواهد، دارد مادرش را دعا می‌کند. من علم می‌خواهم می‌روم سر کلاس، فکر نمی‌کنم اینها به من علم می‌دهد، می‌دانم که خدا به من علم می‌دهد. این دعای من است. کتاب که می‌خوانم می‌گویم خدایا علم می‌خواهم من تو را دارم صدا می‌کنم. دعای هر چیز متناسب با خودش هست. هر کار می‌کنیم انگار داریم خدا را صدا می‌کنیم.

نیت را چگونه خالص کنیم؟

یکی از راه‌های اولیه برای خالص کردن نیت، این است که کارش را کسی نفهمد. این برای شروع خوب است. یواش می‌رود به سمت اینکه خالص تر شود.

## اهداف تربیتی سوره مبارکه لیل

سوره مبارکه لیل، سوره‌ای برای سخت شدن کارهای بد و آسان شدن کارهای خوب است.

### پایه اول

آشنا شدن با کارهای خوب آسان

می‌گوییم بچه‌ها سوره لیل به ما یاد می‌دهد که خیلی راحت کارهای خوب انجام دهیم.

کارهای خوب چقدر خوبه، چقدر راحتی، آخ جوون و هورا و از این کارهایی که می‌شود در کلاس اول انجام داد. آن‌ها را با کارهای خوب آسان مواجه می‌کنیم. مثلا سلام بلند یا صلوات فرستادن کار خوب است. به مادرمان سلام می‌کنیم، چون کار خوبی است. مثلا تغذیه‌هایتان را که خوردید، زباله اش را به سطل آشغال بندازید.

کارهای خوب به آن‌ها نشان می‌دهیم. خیلی از کارهایی که بچه‌ها بطور طبیعی انجام می‌دهند، کار خوب است. راحت و طبیعی هم انجام می‌دهند. این کارهای خوب را به آن‌ها نشان می‌دهیم.

ممکن است بعضی کارها را هم انجام ندهند اما می‌توانند به راحتی انجام دهند. مثلا به دوست یا مادرشان لبخند بزنند یا اول اینها سلام کنند و لذت ببرند از اینکه کار خوب را به این راحتی می‌شود انجام داد.

اول آموزش سوره لیل برای هر پایه‌ای که بخواهیم شروع کنیم به همین صورت است، به راحتی کار خوب انجام دهند و از آن لذت ببرند.

## پایه دوم

### آشنا شدن با تنوعی از کارهای خوب سخت و آسان

بعد از اینکه آسان سازی اتفاق افتاد و بچه‌ها فهمیدند که کار خوب، خیلی خوب است و راحت می‌شود انجام داد، حالا باید با کارهای خوب متنوع آشنا شوند.

وقتی با تنوع کارهای خوب آشنا شوند متوجه می‌شوند که همه کارهای خوب در ظاهر آسان نیستند. گاهی کار خوب کمی سخت می‌شود مثلا کسی کار بدی می‌کند که ما باید گذشت کنیم که این برایمان سخت است.

مثلا کار کردن سختی دارد بعنوان مثال جمع کردن و پهن کردن سفره زحمت دارد.

مثلا یاد بگیرند جوراب‌های خودشان و یا حتی برای پدرشان را هم بشویند. گاهی کار خوب سخت است ولی اشکال ندارد کارهای خوب رو انسان انجام دهد، آسان می‌شود.

خوبی‌اش آنقدر لذت دارد که سخت بودنش را پوشش بدهد. خیلی از کارهای خوب را انسان سختی‌اش را می‌پذیرد و انجام می‌دهد.

بعد از اینکه جذابیت کار خوب را نشان دادیم، در مرحله بعد باید یک فهرستی از کارهای خوب نشان دهیم و دسته بندی کنیم که بعضی‌ها خیلی آسان اند ، بعضی‌ها کمی آسان و ...

البته باید مراقب باشیم که القا نکنیم که کار خوبی، سخت است. فهرست داریم از دسته بندی کارهای سخت و آسان اما منظورمان این نیست که این کارها آسان است و این یکی‌ها سخت. هیچ کاری را اینگونه دسته بندی نمی‌کنیم که اینها کارهای خوب سخت اند که القای سخت بودن کنیم.

منظورمان اصلا شناخت و دسته بندی انواع کارهای سخت و آسان نیست. انواع کارهای سخت و آسان را دسته بندی می‌کنیم، دسته بندی‌های مختلف. یعنی در دسته بندی‌هایمان کارهای سخت و آسان قاطی می‌شود. اصلا اینطوری فکر نکنید که قرار است کارها را دسته بندی سخت و آسان کنیم خود اینکه شما بگویید یک کار خیلی سخت است انگیزه انجامش را کم می‌کند و القای نشدن دارد.

ما کارهای سخت و آسان را دسته بندی نمی‌کنیم ما کارهای سخت و آسان را در کنار هم دسته بندی می‌کنیم. سال اول فقط کار آسان را نشان می‌دادیم حالا چون می‌خواهیم کارهای بیشتری را بشناسیم کارهای سخت و آسان را کنار هم می‌شناسیم. نمی‌گوییم که یک کار خوبی سخت است ولی بطور طبیعی بچه‌ها ممکن است یک کار خوب برایشان یکم سخت بنظر بیاید.

بالاخره همانطور لبخند زدن کار خوب است، ظرف شستن هم کار خوب است. خود

بچه‌ها متوجه‌اند که انرژی‌ای که باید برای اینها بگذارند متفاوت است و درک می‌کنند که بعضی کارها سخت‌تر است و می‌فهمند که ایرادی ندارد اگر سخت هم بود، خوب است و انجامش می‌دهد، اما ما القای سختی نمی‌کنیم. سوره‌هایی هم که خواندیم می‌تواند در دسته بندی به ما کمک کند. سختی و آسانی مبنای دسته بندی ما نیست. دسته بندی می‌کنیم برای اینکه با انواع کارها آشنا بشیم. هر جور دسته بندی هم می‌شود کرد، مثلا کارهایی که در خانه انجام می‌دهیم، کارهایی که در مدرسه انجام می‌دهیم، کارهایی که در نسبت با خانواده یا دوستانمان است، کارهای خوب شخصی یا کارهای خوب در ارتباط با خانواده یا کارهایی که در ارتباط با عبادت هستند یا کارهایی که در ارتباط با دیگران است. دسته بندی اصل مطلب نیست. تنوع کارها اصل مطلب است و دسته بندی برای این است که این تنوع سروسامان داشته باشد.

در پایه دوم بچه‌ها از سوره لیل یاد می‌گیرند که کارهای خوب را حتی اگر کمی سخت هم باشد، را انجام دهند.

## پایه سوم

### درک آسان شدن کارهای خوب با فراهم کردن مقدمات یا تمرین و ممارست

در پایه سوم با کارهای خوبی که کمی سخت‌ترند، آشنا می‌شوند. (البته ما القا نمی‌کنیم که سخت است، همه کارهای خوب آسان است و این را خدا می‌گوید یسرا. خدا به کارهای خوب می‌گوید یسر، روان و آسان. حتی اگر این کار خوب مقاتله یا جنگ در راه خدا باشد، این یسر است و می‌تواند خیلی راحت انجام شود. خدا کلا کار خوب را می‌گوید آسان. البته در مورد جهاد با بچه‌ها صحبت نمی‌کنیم.)

ما نمی‌گوییم کار خوب، سخت است ولی بالاخره بعضی کارها انجامش سخت‌تر است.

باید در پایه سوم بچه‌ها از سوره مبارکه لیل یاد بگیرند که کارهای خوبی که بنظر سخت تر می‌آید را می‌شود آسانش کرد. شعار " کار خوب آسان است " مربوط به اینجاست.

باید بچه‌ها بفهمند که اگر کمی سخت هم هست، می‌شود آسانش کرد، حالا چطور؟ خب بعضی وقت‌ها شما مقدمات کاری را که فراهم کنید، آسان می‌شود مثلا می‌خواهم یک مرتبه کاری را انجام دهم، اگر مقدماتش را آماده نکرده باشم برایم سخت می‌شود ولی اگر آمادگی اش را کسب کرده باشم به تدریج خیلی هم آسان است.

روش دیگری که کار را برای ما آسان می‌کند، ممارست است. مثلا اکثر بچه‌های پایه سوم راحت می‌نویسند و می‌خوانند مگر ضعف درسی داشته باشند. می‌توان به آن‌ها گفت بچه‌ها یادتونه اول چقدر خوندن و نوشتن برایتان سخت بود. هی باید میگفتید ب با همیشه ب، سخت بود و نمی‌توانستید بخوانید اما الان برایتان آسان شده. همه کارها به همین مدل است.

## پایه چهارم

### شناسایی کارهای بد آسان شده و بالا رفتن هزینه کارهای بد

در پایه چهارم نوعا چون بچه‌ها قدرت انتزاع پیدا می‌کنند و همیشه مبحث برنامه‌ریزی مطرح است. حالا این برنامه ریزی حالت‌های مختلف ممکن داشته باشد. بعضی وقت‌ها برنامه‌ریزی با تهیه فهرست همراه می‌شود. بعضی وقت‌ها برنامه‌ریزی با ثبت همراه می‌شود. بعضی وقت‌ها برنامه‌ریزی با آسیب شناسی همراه می‌شود.

یعنی مثلا برای اینکه بتوانند برنامه‌ریزی کنند باید موانع را شناسایی کنند که بتوان آسیب شناسی کرد و آن‌ها را برطرف کرد.

در پایه چهارم، توجه آن‌ها به کارهایی جلب می‌کنیم که خوب نیست ولی آن کارها را

ممکن است راحت انجام دهند. به برکت سوره لیل باید کارهای بد آسان شده را برای بچه‌ها سخت کنیم. هزینه کار بد بالا برود و مانع برای بچه‌ها ایجاد شود.

خودشون هم باید از سوره لیل یاد بگیرند که این کار را نکنند. مثلا مسخره کردن دوستان برای بعضی از فضاهای دانش آموزی ممکن است آسان باشد. خب این کار خیلی کار وحشتناکی است و این کار نباید آسان باشد. اگر آسان شده باید هزینه این کار بالا برود و برای بچه‌ها سخت شود. باید خیلی مانع داشته باشند تا این اتفاق بیفتد.

خودشون باید ایده داشته باشند که چطور انجام دهند. باید بفهمند که این کار را نباید انجام داد و باید بهشون القا کنیم که این کار، کارسختی است، حتی اگه خیلی راحت هم انجام شود. این مثالی که می‌خواهم بزنم را به شما می‌گویم برای دانش آموز این مثال را نمی‌زنیم. ببینید مثلا این که آدم یک چاقو را در قلب یک نفر فرو کند کار سختی است، قتل است. این کار چقدر سخته و چقدر مانع داره، چقدر مگر احتمال دارد که در زندگی بتوانم این کار را انجام دهم؟ تقریبا هیچی... آنقدر این کار کاروحشتناک و سنگین و سخت است که من انجام نمی‌دهم ولی اینکه مثلا من یک کسی را تحقیر کنم، خیلی راحت می‌توانم انجام دهم این مثل همان است، آدم یک تیکه میندازد و کسی ضایع میشود. این جنسش با اینکه یک چاقو در قلب کسی فرو کنید، شبیه هم اند. یعنی یک ظاهر خیلی آسان دارند ولی خیلی کار وحشتناکی است. انسان باید بداند این کار چقدر وحشتناک است، بترسد و نکند. به برکت سوره لیل باید برای بچه‌ها، برای کارهای بد مانع ایجاد شود و سخت شود.

به بچه‌ها یاد دهیم که هزینه کارهایی که نباید انجام شود را برای خودشان بالا ببرند. مثلا می‌توانند برای خودشان تمرین قرار دهند. اینها به شرطی است که مراحل قبلی طی شده باشد. اینکه کار خوب، خوب است و اگر سخت هم هست، انجام می‌دهیم. اصلا برنامه‌ریزی می‌کنیم که سختی‌اش آسان شود.

کارهای بد رو هم نباید انجام داد. اگر خیلی آسان شده، خیلی بد است و باید هزینه‌اش را برای خودمان بالا ببریم. برای خودشان تنبیه بگذارند تنبیهی که خودشان به ذهنشان می‌رسد که هزینه کار بد برایشان زیاد شود.

مثلا یک تنبیه برای خودش بگذارد که اگر مثلا این کار را انجام دادم، خودم را از فلان چیز محروم می‌کنم یا مثلا یک برنامه تلویزیونی که دوست دارم را نمی‌بینم... دوست دارم با دوستانم بازی کنم، نمی‌کنم.

## پایه پنجم

### شناسایی توان‌ها و دارایی‌ها و به اشتراک گذاشتن آن‌ها با دیگران

در پایه پنجم بحث کارهای خوب را می‌بریم به سمت نکته اصلی که بعنوان کار خوب در سوره وجود دارد. و آن **يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى** و عطا است.

حالا این عطا و **يُؤْتِي مَالَهُ** را به بچه‌ها مستقیم نمی‌گوییم، البته عطا از آن واژه‌هاییست که در پایه پنجم می‌شود از آن استفاده کرد. ولی آیات را که برایشان ترجمه نمی‌کنیم بلکه کلیت سوره را می‌گوییم.

می‌گوییم که بچه‌ها سوره مبارکه لیل به ما یاد می‌دهد که ما یکسری توان‌ها، امکانات و دارایی‌هایی داریم که اینها را باید به دیگران هم بدهیم و در اختیار دیگران هم بگذاریم. باید با دیگران با هم استفاده کنیم و به اشتراک بگذاریم.

خب بچه‌ها در صورتی سوره را متوجه می‌شوند که سیر قبلی را متوجه شده باشند و در این پایه باید بفهمند که ما هر چه داریم، هر توان و دارایی داریم اینها را با دیگران به اشتراک می‌گذاریم و اگر سخت است باید برایمان آسان شود. عطا باید برای بچه‌ها به برکت سوره لیل در پایه پنجم آسان شود.

توان‌ها و دارایی‌هایشان را شناسایی کنند و با دیگران به اشتراک بگذارند.

پایه پنجم نوعا اینگونه است که تعامل با دیگران موضوعیت دارد که در این سوره هم به همین صورت است.

### آسان کردن کارهای خوب به ظاهر سخت با نیروی جمع

و در پایه ششم بیشتر کار گروهی موضوعیت دارد، یکسری کارهای خوب هست که ظاهر آن‌ها به نظر خیلی سخت می‌آید. کار خوب که سخت نیست، کار خوب آسان است. از سوره مبارکه لیل در پایه ششم یاد می‌گیریم که می‌توانیم با کار گروهی و فعالیت جمعی آن کارها را آسان کنیم.

طبیعتاً وقتی اولین بار است که بچه‌ها دارند سوره لیل را یاد می‌گیرند باید سیر قبلی را هم داشته باشیم. بعضی کارها هم اگر سخت بنظر می‌آیند خوب چون تنهایی نباید انجام داد. گروهی که انجام می‌دهیم خیلی هم آسان می‌شود.

قرآن کتاب زندگی و هدایت است و قرآن باید وارد زندگی ما شود تا زندگی خوبی داشته باشیم. بعضی سوالاتی که ساعت قبل برایمان مطرح بود که مثلاً از کجا بفهمیم که خدا از ما چه خواسته؟ اگر قرآن در زندگی ما جاری شود همه چیز برایمان روشن می‌شود، هدایت می‌شویم و از ظلمات و گمراهی خارج می‌شویم.

خداوند قرآن را در خود قرآن نور معرفی می‌کند نوری که انسان را از تاریکی‌ها خارج می‌کند. پس باید قرآن در زندگی مان جاری شود. باید قرآن را در زندگی بچه‌هایمان هم جاری کنیم این قرآن نباید در زندگی بچه‌های من و شما جاری بشود باید در زندگی بچه‌های همه عالم جاری شود. خوب بعضی‌ها ممکن است نسبت به این طرح سوال داشته باشند. می‌توانند به سایت یا مسئولین مراجعه کنند که ابهاماتشان برطرف شود.

ولی خیلی افراد هم هستند که فقط کافیه این فهم قرآن رو ببینند، فقط کافیه با فهم قرآن مواجه شوند که بگویند این همان چیزی است که ما مدت‌ها دنبال آن می‌گشتیم.



# فهم قرآن

پس لازم داریم که این فهم قرآن رو به آدم‌های مختلف نشان دهیم. تو این مورد شما

که معلم هستید و شمایی که با محیط‌های آموزشی در ارتباط هستید، هرکس قصد کند که برای عید فطر قبل یا بعد از آن به مناسبت عیدی فهم قرآن رو به چند نفر معرفی کند. محتوا و کتاب‌های فهم قرآن رو معرفی کند. فهم قرآن برای دبستان را به راحتی می‌شود، اجرا کرد، مفاهیم سوره‌ها را به بچه‌ها آموزش داد، سوره‌ها وارد زندگی بچه‌ها شود، قرآن شیرین‌ترین برنامه درسی و برنامه آموزشی و تربیتی بچه‌ها شود. خیلی راحت می‌شود این اتفاق بیفتد. این همه محتوا از هر سوره‌ای وجود دارد و هر محتوایی خواستید، می‌توانید استفاده کنید.

این را به عنوان عیدی به چند نفر هدیه کنید. بگذارید کسانی که اهلش هستن با آن مواجه شوند. این دومین درخواستی است که واقعا تقاضا می‌کنیم که این کار انجام شود.

بگذارید همه مشارکت داشته باشیم در توسعه قرآن که وارد زندگی‌هایمان شود، وارد زندگی بچه‌هایمان شود، جامعه مون رو ان‌شالله متحول کند.

هرکس خواست فهم قرآن را به معلمان بخصوص معلم دبستان معرفی کند، به سایت فهم قرآن، یا سایت مجمع مدارس، مدرسه تزکیه تعلیم ارجاع دهد.

ما نیاز داریم به تبلیغ فهم قرآن. این را ابلاغ کنیم که بدانند که همچین چیزی هست که خیلی راحت می‌شود سوره‌های فهم قرآن و مفاهیمش را به بچه‌ها منتقل کرد. این درخواست خیلی جدی ماست که از شما داریم.

## سوالات

✚ برای پایه اول آموزش کار خوب با شعر و داستان و برای پایه‌های بالاتر، برای لذتبخش بودن در مورد آموزه‌های آیات و احادیث می‌شود از نمایش فرهنگ احسان و نیکوکاری در آغاز سال تحصیلی و روزهای پایانی سال استفاده کرد.

بله نکته خوبی است.

✚ شاید بهتر باشد برای پایه دوم بگوییم بعضی از کارهای خوب نیاز به تلاش بیشتری دارد؟

این حرف خوبیست که اینگونه بگوییم. نیاز به تلاش بیشتر را ما خراب کردیم. در دبستان می‌گوییم خیلی خوب، خوب و بعد نیازمند تلاش بیشتر که فقط برای ضعیف‌هاست. همه نیازمند تلاش بیشتر هستند. یعنی کسی که خوب است نیازمند تلاش بیشتر نیست؟

این عنوان دهی عنوان دهی خوبی نبوده است. نباید اینگونه می‌گفتند که آدم‌ها فکر کنند اگر خوبند دیگر نیازمند به تلاش بیشتر نیستند، این درست مثل این است که انسان‌ها فکر می‌کنند که اگر بچه‌ها بزرگ شوند دیگر نیازی نیست به حرف دیگران گوش دهند. این هم یک نیاز دیگر است.

همه باید به حرف یک بزرگتری گوش دهند، هرچقدر که بزرگ هم باشند تا پیامبرش که به حرف خدا گوش می‌دهد. همه افراد باید به حرف کسی گوش دهند. این هم مثل همان است. همه نیازمند تلاش بیشتریند. چه کسی نیازمند تلاش بیشتر نیست؟

اگر بشود در فضای مدرسه یک بیان دیگری برایش داشته باشیم، خوب است. ولی این استفاده‌ای که خانم کرمی می‌گویند خوب است. به بچه‌ها بگوییم بعضی کارهای خوب تلاش بیشتری نیاز دارند.

✚ چطور به انجام کارهای خوب سخت‌تر راغبشان کنیم؟

با القا. اول با کارهای خوب آسان به آن‌ها نشان می‌دهیم که کارهای خوب چقدر خوب است. وقتی شما به بچه‌های دبستانی نشان دهید که یک کار خوب، چقدر خوب است و بعد جو بدهید و انگیزه بدهید این انگیزه برای بچه‌های دبستانی خیلی خوب و مفید است. اگر جو خوب مثبت داده شود، خیلی مفید است.

# فهم قرآن

برگزاری مسابقه السابقون السابقون برای انجام کارهای خوب. هرکس بتواند

در مشکلات درسی یا نظم کلاس بیشترین کار را انجام دهد برای تشویق می‌شود از ستاره چسباندن جلوی اسامی استفاده کرد.

بله، پیشنهاد خوبی است.

گفتن که این مواردی که می‌گویید با سوره بلد شبیه نیستن؟ انسان در سختی است...

انشالله در مورد سوره بلد صحبت می‌کنیم... سختی سوره بلد فرق می‌کند. سختی‌های طبیعی زندگی است. در مورد بعدا صحبت می‌کنیم و تمایزش با این سوره را مطرح می‌کنیم.

فقط این را در نظر داشته باشید که بعضی سوره‌ها بطور طبیعی شباهت‌هایی دارند. اشکالی هم ندارد ولی سیر کلی شان هرکدام متمایز است. یعنی ممکن است بعضی پایه‌ها در سوره‌ها شبیه باشند ولی سیر کلی سوره‌ها متمایز است هرچند شباهت‌هایی هم با همدیگر دارند.

اگر در مدرسه‌ای باشیم که تعداد دانش آموزان پایه‌ها کم باشد و انجام فعالیت‌های گروهی پایه‌های بالاتر

سخت نیست؟ مثلا کلاس‌های ۳ نفره داشته باشیم؟

۳ نفر می‌توانند کار گروهی انجام دهند. همین الان خواندیم در سوره لیل که کارهای خوب همیشه آسان اند اما بعضی‌هایشان ممکن است نیاز به تلاش بیشتری داشته باشد. بله وقتی شما در چنین مدرسه‌ای هستید کار گروهی کردن سخت‌تر از جاهای دیگر است ولی خب باز هم می‌شود انجام داد.

برای این سوره، بچه‌ها می‌توانند با همکاری هم هفته‌ای ۲ بار زباله‌های کل مدرسه را جمع کنند مثلا این

کار خوب تنهایی کمی سخت است اما گروهی هم راحت‌تر است و هم لذت بخش‌تر.

بله، خیلی خوب است.

✚ اقتحام عقبه را چگونه باید طی کنند؟ شبیه موارد سوره بلد است.

صبر کنید ان‌شالله در مورد سوره بلد را صحبت می‌کنیم. سوره بلد جنس سختی‌هاش بیشتر اینگونه است که انسان سختی‌های دیگران را بپذیرد. سوره بلد برعکسه. ما در سوره لیل می‌خواهیم بگوییم که همه کارها آسان هستند اما در سوره بلد می‌خواهیم بگوییم که خب سخت است دیگر مگر قرار بوده آسان باشد؟ ینی کلا مسیرش فرق دارد. نوعا سختی‌هایش مربوط به دیگران است. آدم باید سختی‌های دیگران را تحمل کند.

✚ می‌شود بنری تهیه کرد از کارهای بدی که می‌دانیم بچه‌ها سرکلاس انجام می‌دهند؟

نه اینکار را نکنید. کارهای بد را نباید بزرگ کرد

✚ کارهای بدی که می‌دانیم اکثر بچه‌ها سرکلاس انجام می‌دهند را یادداشت کنیم بعد چند تا تنبیه هم با نظر خود بچه‌ها قرار می‌دهیم و هر کار بدی را انجام دادند، خودشان تنبیه را برای خودشان انتخاب می‌کنند. از بین تنبیه‌هایی که خودشان تعیین کردند.

خیلی بنظرم این کارها که بزرگ کردن دیوارو ... را باید برای کارهای خوب کرد. کار بد را آنقدر نباید درشتش کرد. نباید تابلو کرد و به دیوار زد. این کار را نباید با کارهای بد انجام داد باید این را ببریم در خودشان یعنی کار بد را خودشان شناسایی کنند خودشان برایش تنبیه بگذارند، خودشان سعی کنند که حذفش کنند.

✚ اگر براساس اهداف تربیتی بعضی سوره‌ها فعالیتی طراحی شد که دانش آموزان یک پایه خاص در طول سال تحصیلی انجام دهد بعد از مدتی باید متوقف شود به دلیل تداخل سوره‌ها؟ یا این تلفیق را به آنها یادآوری کنیم و تشویقشان کنیم به ادامه کار با ارتباطی که سوره‌های دیگر برقرار می‌کنند؟

خیر. در جواب سوال دوم، دقیقاً همینطوره. ما هیچ سوره‌ای را متوقف نمی‌کنیم.

سوره‌های بعدی را اضافه می‌کنیم. فعالیتی که به برکت یک سوره‌ای بچه‌ها یاد گرفتن که انجام دهند مربوط به کل زندگیشان است. لزومی نداره متوقف بشه وقتی بچه‌ها قراره کارهای خوبی انجام دهند و از سوره لیل یاد گرفتن خوب کارهای خوب رو باید همیشه انجام دهند و سوره لیل نباید از زندگیشان بیرون برود. سوره‌های دیگر وارد می‌شوند. تمرکزمان روی آن‌ها می‌رود ولی سوره قبلی را فراموش نمی‌کنیم و کنار نمی‌گذاریم.

فهم قرآن برای پایه‌های هفتم به بعد هم کار شده اما موضوع ما نیست. ان‌شاءالله از طریق سایت می‌توانید ارتباط بگیرید و آن هم برنامه خاص خودش را دارد. بطور مفصل کار شده و هنوز هم دارد کار می‌شود. در حال توسعه است و بسته‌های آموزشی متنوعی برای پایه‌های هفتم تا دوازدهم وجود دارد. یک مجموعه شش جلدی مهارت‌هایی برای نوجوان بودن دارد. مهارت‌هایی برای سیزده ساله بودن، مهارت‌هایی برای چهارده ساله بودن تا ۱۸ ساله بودن وجود دارد. کتاب‌های دیگری چون نور خدا جاری در پاکی‌ها و خاص تر شدن برای خدا موجود هست.

برای فعالیت‌های مختلف برنامه‌ریزی دارد اما چون مدل بچه‌های متوسطه متفاوت است، مدلش با دبستان متفاوت است.

✚ در رابطه با قصه‌های انبیا در مقطع دبستان چگونه عمل کنیم؟

هرچه کار نکنید خیلییییی بهتر است. خیلی به قصه‌های انبیا کار نداشته باشید. سال‌های قبل استاد اخوت بحث انبیا را مطرح می‌کرد خیلی برای من جالب بود گفتن ای کسانی که با کودک و نوجوان سروکار دارید دست از سر انبیا بردارید.

بینید انبیا خیلی وقت‌ها برای خود ما هم قابل درک نیستند در مورد اینکه انبیا خوبند، دوست داشتنی‌اند، یک پیامبر خوب داریم که پدر بزرگ همه است یک امیرالمومنین (ع) داریم که پدر همه است و ما دوستشان داریم،

حضرت زهرا(س) مادر همه است، حضرت نوح مثل پدر بزرگ همه می ماند اینها خیلی

خوب است. داستان های انبیا خیلی تخصصی است همینجوری که کلی کتاب قصه انبیا درست شده و به خورد بچه ها داده شده خیلی کار وحشتناکی هست. خواهش می کنم این کار را نکنید. داستان های انبیا را کار نکنیم مگر اینکه مطمئن باشیم این مطلب برای بچه ها درست است. اصلا نباید وارد فضای انبیا شد مگر اینکه خیلی با اطمینان یعنی بدانیم چیزی که می گوییم مناسب اینجاست و درست است و مناسب این سن طراحی شده است. کتاب هایی که انبیا را، خطا کار نشان می دهند، نباشد. اینکه یک پیامبر را خرج کنیم تا بچه ها یک اخلاق کوچکی را یاد بگیرند نباشد.

✚ از احادیثی که جنبه اخلاقی دارد همراه داخل کلاس نصب کنیم؟

کار خوبی است بشرطی که مناسب سن بچه ها باشد. تصمیم بگیرید که در یک ماه هم معلم و هم بچه ها این را رعایت کنند به شرطی که بدانیم آن مطلب مناسب سن آن مقطع هست.

✚ نکته یکی از بزرگواران در مورد سوره بلد:

در سوره بلد سختی ای که مطرح است سختی کلی زندگی است به این معنا که در زندگی دنیا بخور و بخواب و راحت بودن و اینکه هیچ کاری نکنیم و نتیجه بگیریم وجود ندارد. کلا انسان در تلاش و تکاپو و سختی خلق شده است، این مدل سوره بلد است. سختی هایی که سوره بلد معرفی می کند این است که اگر من بخاطر یک نفر به سختی افتادم، چیز بدی نیست، سختی است.

✚ سوال در مورد ادامه کلاس ها بعد از ماه مبارک؟

به همین روال ادامه می دهیم، اگر تغییر کند در کانال اعلام می شود. بناست که ۲ روز تعطیلی عید فطر تعطیل باشد و بعد از آن با سوره مبارکه فجر ادامه پیدا می کند.

## فهم قرآن

✚ در دوران دانشجویی با یکسری از دوستان تصمیم گرفته بودیم با حنا یکی از

رذیلت‌های اخلاقی که داریم را کف پا می‌نوشتیم تا کسی آن را نبیند و سعی می‌کردیم انجامش ندهیم.

در عوض یک فضیلت اخلاقی را کف دست می‌نوشتیم که همیشه جلوی چشممان باشد.

بامزه است ولی برای دانشجویان که خیلی فوق العادس اگه برای بچه‌هایی یک پایه‌ای فکر می‌کنید مناسب است

کار جالبی است. از این خلاقیت‌ها معلمان زیاد دارند اینها را مطرح کنید که بقیه هم استفاده کنند .

✚ بعضی وقت‌ها کارخوب مثل سلام کردن به بزرگترها برای بچه‌ها سخته و فراموش می‌کنند در مدرسه

چون معلم‌هایشان را زیاد می‌بینند عادی می‌شود، این مسئله را چگونه می‌شود برایشان آسان کرد؟

همین است دیگر. کار خوب با انجام دادن و تکرار ... مثلا اول باید مقدماتی فراهم کنید مثلا چیزی که باعث شود

یادشان نرود و اینکه تکرار کنند تا برایشان آسان شود.

✚ کتاب‌های قرآن، داستان انبیا را آورده است.

بله. نباید بچه‌ها حس غلطی به انبیا پیدا کنند. مثلا شما فرض کنید اینکه حضرت ابراهیم(ع) حضرت اسماعیل(ع)

را ذبح کردند، خب این چیزی نیست که بچه متوجه شود. یک پدر بی رحم را برای بچه‌ها ترسیم می‌کند یا

چیزهایی از این دست. یا مثلا عادی می‌شود بعضی از مسائل انبیا. مثلا حضرت یونس(ع) که به دریا انداختند برای

بچه‌ها می‌شود قصه پدر ژپتو و عادی می‌شود. یا برداشت بدی می‌کنند یا عادی سازی می‌شود. باید خیلی سریع

از آنها رد شد.

✚ داستان انبیا را براساس قصص قرآن استفاده کنیم؟

برای بچه‌ها، اقتضائات خاصی دارد و بنظرم می‌آید که استفاده نکنیم مگر اینکه مطمئن باشیم که برای آن سن و

مفهومش درست است

# فهم قرآن

متأسفانه در کشور ما در بیان داستان انبیا برای بچه‌ها کار تخصصی قابل قبولی انجام

نشده است. برای همین من خیلی منبع قابل اعتمادی نمی‌شناسم که به شما معرفی کنم. اصراری هم وجود ندارد که داستان انبیا را برای بچه‌ها بگویید بچه‌ها خیلی درک روشنی از داستان‌های انبیا به این معنا ندارند. همینقدر که بچه‌ها انبیا را بشناسند، کفایت می‌کند.

اینکه ما بچه‌ها را با زندگی ائمه اطهار آشنا کنیم اشکالی ندارد به شرطی که بدانیم آن جنبه‌ای که داریم بچه‌ها را با آن آشنا می‌کنیم مناسب سنشان است. این کار کار تخصصی است.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم